

دو پیشوای ملل

حضرت ابراهیم و حضرت رضا علیه السلام

دکتر ابوالفضل خوش منش

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
موضوع
شناسه اړوده
رده بندی نگره
رده بندی دیکی
شماره کتابشناسی ملی

: خوشمنش، ابوالفضل، ۱۳۲۸ -
: دو پیشوای ملل: حضرت ابراهیم و حضرت رضا علیه السلام / ابوالفضل خوشمنش.
: مشهد: بنیاد فرهنگی هنری امام رضا (ع)، ۱۳۹۱.
: ۱۹۰ ص.
: 978-600-93665-0-7
: فیها
: ابراهیم بهامیر
: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۹۱۵۳ - ۲۰۰۳ ق.
: بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام
: ۱۳۹۱ ۹۹۹۹۹۹۹۹ BP/AA/T/
: ۲۹۷/۱۵۶
: ۳۰۷۶۷۸۹



بنیاد اسناد و کتابخانه ملی



بنیاد اسناد و کتابخانه ملی

دو پیشوای ملل

حضرت ابراهیم و حضرت رضا علیه السلام

دکتر ابوالفضل خوشمنش (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

ویراستار ادبی: مریم عابدی

صفحه آرای: مجید اکبرزاده

ناشر: بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا علیه السلام

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

أَمْ هُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا (۵۳)
 أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
 فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (۵۴) (نساء)
 و عن الصادق عليه السلام: والله نحن الناس المحسودون (کافی، ج ۱، ص ۲۹۵)

آیا این اهل کتاب، سهمی از نبوت و ولایت دارند؟ اگر خدا سهمی به آن‌ها می‌داد از شدت بخلی که دارند پیشیزی به مردم نمی‌دادند.
 یا اینکه به مردم [پیامبر و خاندانش]، بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند؟ ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و ملکی عظیم دادیم.
 و از امام صادق علیه السلام روایت شده است: به خدا قسم ما آن مردمی هستیم که به آنان حسد برده می‌شود.

وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي
قَالَ لَا يَتْلَا غَيْدِي الظَّالِمِينَ (١٢٤) وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخَذُوا مِنْ مَّقَامِ
إِبْرَاهِيمَ مُضَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ
السُّجُودِ (١٢٥) وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ
آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ
وَيُشْرُ الْمَصِيرُ (١٢٦) وَإِذْ يَبْعَثُ إِبْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلَ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ
أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (١٢٧) رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا
مَنَاسِكَنَا وَثَبِّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (١٢٨) رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا
عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (١٢٩) (بقرة)

و به یسار آور آن زمانی را که پروردگار ابراهیم او را با فرمان‌هایی آزمود و او آن‌ها را به‌طور کامل گذراند و به یسار آور آن زمانی را که ما خانه کعبه را محل بازگشت مردمان به اصل فطرت و مایه امنیت قرار دادیم و مردمان را گفتیم که از مکان قیام ابراهیم برای خود محل غازی اختیار کنید و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که خانه مرا پاک کنید برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان و سجده‌گزاران.

و به یسار آور آن زمانی را که ابراهیم پیه‌های خانه را بلند می‌گردانید و زمزمه می‌کرد: پروردگارا! از ما بپذیر که تویی که دانا و شوالیی.

پروردگارا! ما را امتی تسلیم خود و از فرزندان ما نیز امتی تسلیم خود قرار ده و آیین‌های بندگی خود را به ما بنما و بر ما بازگشت نما، زیرا آنها تویی که بازگشت‌کننده مهرورزی. پروردگارا! و در میان فرزندان ما پیامبری برانگیز که آیات تو را بر ایشان تلاوت کند و ایشان را پاکیزه گرداند که تویی که مالک عزت و حکمت هستی (برداشتی از آیات ۱۲۴ تا ۱۲۹ سوره بقره).

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی امام رضا (ع)
۱۳	مقدمه پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
۱۵	آغاز سخن
۱۷	مقدمه
۲۳	فصل اول: پیامبر و امام
۲۵	دو امام
۲۸	مروری بر داستان بعثت
۳۱	فصل دوم: شعاع‌های یک آفتاب
۳۳	داستان مراحل مختلف زندگی
۳۵	پدر
۳۹	ملت «حنیف»
۴۰	عنوان مقدس پدر نزد دیگران
۴۳	فصل سوم: در برابر طغیان
۴۶	میان‌رودان تا حوزه فرارود
۴۸	بابل کهن
۴۹	دروازه شکوهمند خدا
۵۴	انحطاط و زوال
۵۷	«دروازه‌های خدا» و دروازه‌بانان مدعی
۵۸	همچنان «خداشهر»
۶۰	از بابل تا بغداد
۶۸	از حجاز تا دمشق
۷۷	فصل چهارم: مأموریت‌های بزرگ (از بابل تا مکه؛ از مدینه تا مرو)
۷۹	مسیر جدید
۸۱	به سوی حجاز
۸۳	از مسجد «اقصا» تا مسجد «حرام»
۸۳	«امام»، «مصلا» و «قبله»
۸۸	مقایسه دو نیمه سوره بقره

۸۸	نیمه نخست
۸۸	نیمه دوم
۹۱	دو موضوع شاخص دیگر در نیمه دوم
۹۲	دعا و مناجات حضرت ابراهیم علیه السلام
۹۲	تفصیل آیات احکام
۹۳	جدول مقایسه‌ای سوره بقره
۹۷	فصل پنجم: امام و شهید
۹۹	مروری بر مفهوم «شهید و شهادت» در قرآن
۱۰۱	استمرار موضوع و مفهوم «شهادت»
۱۰۳	پیوند مفهوم شهادت با موضوع امامت
۱۰۶	«شهادت» و «عهد»
۱۰۹	فصل ششم: اهل البیت
۱۱۱	ترکیب ویژه «اهل البیت» در قرآن
۱۱۳	استمرار نسل حضرت ابراهیم علیه السلام تا امام رضا علیه السلام
۱۱۹	فصل هفتم: تمدن و فرهنگ
۱۲۳	ایران، مهد کهن یگانه‌گرایی
۱۲۶	خراسان، میمنه و مشرق ایرانی و اسلامی
۱۳۳	اهمیت فرهنگی خراسان
۱۴۴	اهمیت نیشابور
۱۵۱	تنوع فرهنگی
۱۵۸	رضای آل محمد علیهم السلام
۱۶۱	فصل هشتم: برهان و احتجاج
۱۶۳	دعوت توحیدی
۱۶۴	با شرایع و ادیان
۱۶۶	در بسترهای تحول فرهنگی
۱۶۷	عصر امام رضا علیه السلام ، عصر تأسیس و گسترش مراکز علمی
۱۷۵	فصل نهم: مهر و مرحمت
۱۷۷	کرامت و اخلاق
۱۷۹	ورود به مرحله نهایی
۱۸۰	ختم سخن
۱۸۳	منابع

مقدمه

جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام همه ساله به مناسبت میلاد باسعادت و سراسر نور عالم آل محمد صلی الله علیه و آله حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در «دهه کرامت» (از یکم تا یازدهم ذی‌القعده) به همت مردم ولایتمداری و مسئولان خدوم در داخل و خارج از کشور به شکل باشکوهی برگزار می‌شود.

جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام از این جهت اهمیت مضاعف می‌یابد که همه ساله اندیشمندان، پژوهشگران، هنرمندان و در یک کلام «پدیدآورندگان آثار فاخر رضوی» با خلق آثار فاخر و ارزنده، زمینه ترویج بیش از پیش فرهنگ، سیره و معارف رضوی را در یک فضای معنوی فراهم می‌نمایند.

برنامه‌های موضوعی

برنامه‌های موضوعی تعریف شده در جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام شامل آن دسته از برنامه‌هایی می‌شود که در موضوعات فرهنگی، هنری، سینمایی، مطبوعاتی و رسانه‌های دیجیتال به صورت مسابقه و در یک رقابت سالم و سازنده در این جشنواره به آن‌ها پرداخته می‌شود آن چنانکه در حال حاضر ۵۲ شاخه از جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام به این موضوعات اختصاص دارد.

همایش‌ها

همایش‌های علمی و پژوهشی جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام که عمدتاً از طریق دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی انجام می‌شود زیر نظر اعضای هیئت علمی به تولید مقالات و آثار پژوهشی در زمینه فرهنگ و معارف رضوی پرداخته می‌شود که هجده شاخه از جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه السلام با موضوعات علمی و پژوهشی انجام می‌گردد.

امور بین الملل

برنامه‌های تعریف شده برای خارج از کشور در جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی- فرهنگی اندیشمندان و دانشمندان جهان و همچنین مشارکت ارادتمندان هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت در اقصی نقاط جهان با رویکرد علمی، پژوهشی، فرهنگی و هنری برگزار می‌گردد. محوریت این بخش با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و همکاری نهادهای فرهنگی مرتبط با خارج از کشور می‌باشد.

برنامه‌های عمومی

سازماندهی برنامه‌های عمومی جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام با ایجاد فرصت‌های معنوی «دهه کرامت» در سراسر کشور اعم از شهر و روستا در قالب جشن‌های مردمی و خصوصاً بزرگداشت قدمگاه‌های حضرت در مسیر هجرت تاریخی امام رضا علیه‌السلام از مدینه به مرو و همچنین پاسداشت امامزادگان و بقاع و اماکن متبرکه در قالب جشن‌های مردمی «دهه کرامت» پیش‌بینی می‌شود.

انتشارات

کتاب حاضر تحت عنوان دو پیشوای ملل از جمله تولیدات جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام می‌باشد که فرهیخته فرزانه و استاد عزیز جناب آقای دکتر ابوالفضل خوش منش با پرداختن به سرگذشت دو امام و دو پیشوا حضرت ابراهیم و حضرت امام رضا علیه‌السلام آن را تألیف و تدوین نموده و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات بر این کار علمی نظارت نموده و بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا علیه‌السلام نیز که زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد وظیفه چاپ و انتشار آن را بر عهده گرفته است تا انشاء... مورد استفاده عموم مردم؛ مسلمانان، شیفتگان، عاشقان و ارادتمندان آن حضرت قرار گیرد.

بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا علیه‌السلام

مقدمه پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

بی شک حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، سبط خاتم الانبیا و المرسلین (علیه السلام)، فرزند فاطمه و یادگار امیر المؤمنین (علیه السلام)، در ایران اسلامی، افزون بر آن که حجت خدا و امام و وصی رسول خدا (علیه السلام) است، بزرگ ترین پدیده فرهنگی در ایران اسلامی است چرا که میلیون ها نفر در سرتاسر این سرزمین پهناور هر سال از سر عشق و شوق به زیارتش می شتابند و از ژرفای جان به ایشان عشق می ورزند.

یکی از ابتکارهای بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا (علیه السلام) در برگزاری جشنواره بین المللی امام رضا (علیه السلام) آن است که پژوهش های بنیادی، ماندگار و مؤثری را در برنامه های خود گنجانیده است؛ بسیار خوشنودم که این طرح های ارزشمند به همت محققان این پژوهشگاه انجام می شود. یکی از این طرح ها «دوپیشوای ملل؛ حضرت ابراهیم و حضرت رضا (علیه السلام)» است که با نظارت علمی پژوهشکده مطالعات دینی فرهنگ در این پژوهشگاه به فرجام رسیده است. در این جا بر خود لازم می دانم از ناظر محترم طرح جناب آقای دکتر محمد هادی همایون، همکارانم در این پژوهشکده و مجری محترم طرح تشکر کرده و از فرهیختگان و شیفتگان معارف رضوی (علیه السلام) بخواهم از سر لطف ما را مشمول پیشنهادهای علمی شان بگردانند.

یحیی طالبیان

رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

www.ketab.ir

آغاز سخن

اولین کسی که «امام» و پیشوا شد و میان مردم سخن گفت، حضرت ابراهیم علیه السلام است، آخرین «امام»ی که در تاریخ امامت میان مردم حضور عام یافت و خطاب به آنان سخن گفت، امام رضا علیه السلام است. قرآن کریم، دو بار از «اهل البیت» سخن می گوید؛ یکی «اهل البیت» حضرت ابراهیم علیه السلام و دیگری «اهل البیت» رسول اکرم صلی الله علیه و آله. سلسله «اهل البیت» ابراهیم علیه السلام استمرار پیدا می کند تا به امام رضا علیه السلام می رسد و با او تضمین ویژه ای می یابد. کسانی که امام رضا علیه السلام را امام می دانند، شیعه «دوازده امامی» اند که به امامت ائمه دیگر تا حضرت حجت علیه السلام نیز عقیده و تمسک دارند.

اولین کسی که قرآن کریم از «ملت» او سخن گفت و پدر و پیشوای امم بسیار گردید، حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ آخرین کسی که در میان مردم راهدار «ملت ابراهیم حنیف» بود، امام رضا علیه السلام است. دستگاه خلافت، امامان پس از امام رضا علیه السلام را به تدریج از جامعه مردم جدا کرد.

انسان بزرگی که میان یهود، مسیحی، مسلمان و برخی ادیان دیگر، محترم و عزیز است، حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ امامی که با بزرگان یهودی و نصرانی و صابئی و طرفداران دیگر نحله های زمان خودش به گفت و گو نشست، امام رضا علیه السلام است.

اولین انسانی که قرآن کریم از زبان او استدالات برهانی و احتجاجات عقلانی و غالب قیاس های منطقی در باب توحید را نقل می کند، حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ آخرین «امام»ی که در میان توده مردم حدیث می خواند، امام رضا علیه السلام است؛ حدیث او نیز حاوی همان درس نخست است که ابراهیم علیه السلام داده است: «توحید». امام رضا علیه السلام با تمهید و زمینه چینی و ذکر سلسله سند زرین، تنها می خواهد بگوید: «لا اله الا الله دژ محکم خداست». حال این موضوع، یعنی انگشت گذاشتن بر «لا اله الا الله»، اهمیت مطلب را می رساند یا کندی بشر را در گرفتن درس نخست یا شاید هم هر دو را.

انسانی که «خانه خدا» را برپا می کند، ابراهیم علیه السلام است؛ کسی هم که از ذریه او در شهری در

نزدیکی همان خانه به دنیا می‌آید و دعوتش را ادامه می‌دهد، رضای آل محمد است. پیشوایی که در یک حوزه تمدنی کهن، در غربی‌ترین نقاطی که در آن از حضور پیامبران سراغ داده‌اند، حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ پیشوایی هم که بیش از دو هزار سال پس از او، در شرقی‌ترین نقطه‌ای که در آن از حضور یک «امام» معصوم خبر داده‌اند حاضر شده و از سنخ همو سخن گفته، امام رضا علیه السلام است.

پیشوایی که سروکارش با دستگاه سیاست و طغیانی بزرگ در «بابل» کهن افتاده، حضرت ابراهیم علیه السلام است؛ پیشوایی هم که سروکارش با دستگاه سیاستی زیرک در «مرو» کهن افتاده، امام رضا علیه السلام است. کسی که خود، پیامبر احتجاج و زبان‌آوری و دعوت به «فطرت» است، حضرت ابراهیم علیه السلام است. او از خدا یک درخواست از همی جنس نیز دارد: «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (شعراء، ۸۴). رضای آل محمد علیهم السلام، زبانه‌ای از شعله آن لسان صدق است که بعد از او با اقوام و ملل همچنان سخن از راستی و درستی می‌گوید. این کتاب، کوششی برای بسط و تفصیل این ماندگی‌هاست.

مقدمه

پیامبران الهی و اولیای ایشان در مکان‌ها و زمان‌های مختلفی به رسالت برانگیخته شده و به ادای آن پرداخته‌اند. حیات پیامبری در مواجهه با طاغوت سیاسی می‌گذرد و دیگری در مواجهه با انحطاط اخلاقی و آن یکی نیز رودرروی فساد و اسفلال اقتصادی.

در میان پیامبران الهی، شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام را جامع جنبه‌های گوناگون، از جمله سیر بین‌المللی و جنبه‌های مرتبط با فرهنگ و تمدن می‌یابیم. این پیامبر در میان‌رودان، مهد کهن تمدن و در عین حال، خاستگاه طغیان و فساد می‌زاید و می‌زید. ابراهیم علیه السلام به بابل درمی‌آید که بر حسب ادعاهایی بزرگ از سر همان طغیان و فساد، «باب‌الله و دروازه خدا» است. گذار او در طول حیات به سرزمین شام، ارض تین و زیتون و خاستگاه پیامبران و جایگاه شرایع و ادیان می‌افتد سپس به سرزمین مصر می‌رود و پس از گذر از همه این‌ها، مأمور آمدن به سرزمینی می‌شود که هیچ نمود تمدنی ندارد. مأموریت وی در چنان سرزمینی، برافراشتن دیوارهای بیت‌الله الحرام و یک «انتقال» است. طبق این مأموریت، «بابل» مدعی، چه به عنوان منطقه جغرافیایی و چه به عنوان مفهوم سیاسی و ایدئولوژیک که هیچ‌گاه از ادعاهایش نکاست، بلکه ادعاهایش از آن جنس در طول تاریخ رسالت و سیاست همواره پیچیده‌تر نیز شد، باید جایش را به «بیت‌الله» می‌داد که در دل «آل‌قری» از یک «وادی غیردی‌زراع» سر بر کرده است. مأموریت‌هایی از این دست، همواره قرین هزینه‌هایی سنگین است.

سال‌ها پیش، گذر نگارنده برای کاری آموزشی و تبلیغی به شماری از کشورهای جهان، از جمله چند کشور آفریقایی افتاد. حضور در این کشورها و ارتباط با مردم به صورت‌های مختلفی بود؛ از حضور در هیئتی رسمی گرفته تا حضور چندساله در یک مرکز دانشگاهی و حضور تبلیغی در مسجد یا روستایی دورافتاده. او در اولین سفرش به آفریقا در سال ۱۳۷۹، خود را با هواپیمایی کهنه پس از چهار پرواز به فرودگاه یک بندر آفریقایی دور دست در اقیانوس اطلس رساند. وی شبی با تاکسی در خیابان‌های تاریک و بدون برق شهر در حرکت بود که ازدحام و غریو شادی گروهی از مردم در خیابان، نظرش را

جلب کرد. پس از پیاده شدن از تاکسی معلوم شد دقایقی پیش، در ساختمانی در آن حوالی، مناظره‌ای میان شیخ و کشیشی آفریقایی دربارهٔ حقانیت اسلام یا مسیحیت و نیز موضوع «لوهیت» حضرت عیسی مسیح علیه السلام در گرفته و کشیش در میانهٔ مناظره از جلسه خارج شده و تاکسی گرفته و رفته و به قول آنان، گریخته است. باری، «او» تنها و غریب در آن شهر غیراسلامی خود را میان شماری از هم‌کیشان خویش یافته بود؛ هم‌کیشانی که یک‌جورهای «در دین» داشتند. جمع چندده‌نفره پس از کمی هل‌هل و ناسادی، به سویی حرکت کرد. آن سفیدپوست غریب هم میان ده‌ها مسلمان آفریقایی که خود نیز در آن شهر، «اقلیت» بودند، به راه افتاد و از کوچه‌های بدون آسفالت و پراز گل ناشی از بارندگی‌های شدید استوایی، سرانجام، سر از خانهٔ یکی از مسلمانان درآورد که شامی تدارک دیده بود. همه بی‌تکلف مشغول صرف غذا شدند. حاضران، با وجود تفاوت‌های زبانی و رنگ و قومیت، از نظرات و دغدغه‌های مشترک می‌تفتند و هیچ بُعد و غرابی میان آن‌ها احساس نمی‌شد و کسی نیز کسی را نمی‌پرسید که کیست و از کجا آمده است.

زمانی دیگر نیز نگارنده البته این بار دعوت شد، اما نه به خانه‌ای در پس کوچه‌ای، بلکه به دانشگاهی بزرگ در کشوری در قلب آفریقای سیاه که در آمفی‌تئاتر آن، مناظرهٔ دیگری برپا شده بود؛ مناظره‌ای آکادمیک بین اهل بحث و تحقیق با استناد به انجیل و قرآن و تفاسیر آن‌ها، همچنان دائر بر محورهای بُعد لاهوتی و ناسوتی عیسی مسیح علیه السلام و ادعای الوهیت او. کسی که با عنوان کشیش و محقق مسیحی سخن می‌گفت، نامش «ابراهیم» بود؛ «ابراهیم» و نه هیچ‌یک از دیگر اشکال ضبط‌شدهٔ نام او در زبان‌های عبری، عربی و اروپایی. مناظره به زبان فرانسه بود، اما آن کشیش اصرار داشت خودش را «ابراهیم» با ضبط عربی‌اش بخواند. او می‌گفت ابتدا مسلمان بوده و ابراهیم نام مسلمانان او و یادگار عهد مسلمانی وی است. «ابراهیم»؛ همان نام جدّ اعلی و بزرگ ادیان؛ هو که همه نامش را حرمت می‌نهند و بزرگ می‌دارند؛ هو که در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم به نامش استناد می‌کنند و خداوند داستان او را در آیات ۶۴ تا ۶۸ سورهٔ آل عمران مورد اشاره قرار داده است؛ هو که نام و سیره‌اش، ظرفیت بزرگی از قضا در همین امر «جدال» - اگر «جدال احسن» باشد - دارد.

باری، در همان دانشگاه بزرگ هم، حاضران و ناظران، فرصت‌های ویژهٔ افهام خصم را ضمن مقرون ساختن آن با «تیشخند» و «ریشخند»، هدر نمی‌دادند. هواداران مسلمان، این را نیز می‌گفتند که «ابراهیم» از آغاز مسیحی بوده؛ چند صباحی خود را به سلک مسلمانان کشانده تا هم از دین و آیین آن‌ها بیشتر کسب اطلاع کند و هم به مصداق: ...آمَنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَاکْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^۱ (آل عمران، ۷۲)، بازگشت خود را از اسلام اعلام کند تا وهنی برای مسلمانان شهر و دیار خود باشد....

۱. گروهی از اهل کتاب گفتند در طول روز به آنچه بر مسلمانان نازل شده است ایمان بیاورید و در پایان روز بدان کافر شوید تا مسلمانان بدین وسیله متزلزل شوند و از دین خود بازگردند.

البته اگر چنین چیزی قرین صحت می بود، وای که چه فاصله بزرگی میان آرمان و اسم ابراهیم علیه السلام و مستمای آن پدید آمده بود.

در ذهن نگارنده، این داستان‌ها موضوع اول و اهم نبود. بقایای مناظره در خیابان آن شهر بندری که نگارنده تنها چند ساعتی بود که وارد آن شده بود، برای وی تازگی و جذابیت زیادی داشت. او گاهی از اخبار مناظرات دیگر هم مطلع می شد و منابع ارزشمند و مرتبط با این وادی و موضوع شناخت مسیحیت و نیز شرح توراتی را که در ایران نیز کمیاب و نایاب بودند، می یافت، اما چیزی که فراتر از همه این‌ها نظر کنجکاو را در آن دنیای متفاوت معطوف خود می داشت، اهمیت و اولویت آن مناظرات بود: این «مناظرات»؟ چرا و از چه رو؟! در کشورهای اغلب غنی آفریقایی که دنیای زور و استثمار با همان منطق دیرینه زند افلم الزوم من اشغلی^۱ (طه، ۶۴) آنان را از صدها سال قبل به صورت برنامه ریزی شده، این گونه به خاک سپاه نشانده است، آیا موضوع مهم‌تری برای گفت‌وگو و گفت‌وگو یافت نمی شود؟ آیا آنچه روح احتجاجات ابراهیمی و استمرار آن تا «اهل بیت» و «ذریه» را تشکیل می دهد، از نوع مناظرات خشک کشیشان قسطنطنیه^۲ است یا اینکه به راستی در سیره و سخن ابراهیم و «اهل بیت» و «ذریه» او، چیزهای دیگری نیز یافت می شود که می توان و باید به آن‌ها پرداخت؟ آیا «ابراهیم» پدر توحید و «حج» و «احتجاج» و پیامبر «فطرت» و «قیام» و «قوام» نیست؟ آیا این مقوله‌ها تنها مقولاتی نظری اند یا اینکه به زندگی انسان و جهان نیز ارتباط دارند و استتاله و استمراری عملی نیز از این مقوله‌ها پدید می آید؟^۳

نگارنده در کتاب بیداری و بین الملل اسلامی چند سطر دربارۀ حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان پیامبر بین الملل و پیشوای ادیان و ملل نوشته بود و نیز در مجموع، چند صفحه‌ای دربارۀ سورۀ حج، به جهت ارتباطش با جنبۀ بین المللی دین و نیز سیره و دعوت حضرت ابراهیم علیه السلام.

۱. امروز فروزی از آن کسی است که بتواند غالب باشد. منطق فرعونیان که سورۀ طه آن را نقل کرده است؛ همان منطقی که در طول تاریخ به زبان‌های گوناگون و به تصریح و تلویح مورد اشاره قرار گرفته، اعمال شده و از آن ضرب المثل نیز ساخته شده است. تعبیر و امثال «قانون جنگل» در فارسی، «الحق لمن غلب»، «و لكن تؤخذ الدنيا غلاباً» در عربی و «La loi du plus fort» در فرانسه و پاره‌هایی از سخن ماکیاوولی در کتاب شهریار و آگویی‌هایی از همین سخن فرعونی‌اند.

۲. «در شدت محاصره قسطنطنیه آنگاه که تسخیر عاصمه روم شرقی مسلم بود، جاسوسان، سلطان محمد دوم را آگاهی بردند که در شهر، انقلابی عظیم است. چه، کشیشان و تابع دیگر مردمان در مسئلۀ کلامی بر دو بخش شده و هم‌اکنون امپراتور و سایر سران در کلیسای قدیس صوفی گرد آمده‌اند و بحث می‌کنند که زخم وارد بر مسیح آیا بر جنبۀ لاهوت آن حضرت خورده یا ناسوت او.

محمد در حال تیری از تویی سنگین به همان کلیسا گشاد داد و چون اصابت کرد، گفت: هم به لاهوتش خورد، هم به ناسوتش!» (دهخدا، امثال و حکم، ج ۴، ص ۱۹۸۷).

۳. در کنار سخن از «ابراهیم» در آفریقا و غیر آن، سخن از «ذریه» و «اهل بیت» او نیز موضوعیت پیدا می‌کند که سطور آتی و نیز متن کتاب از آن سخن خواهد گفت.

کم‌کم این تصور در ذهن نگارنده شکل گرفت که همان‌گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام، حائز آن نقش جهانی و بین‌ادیانی است، از میان ائمه علیهم السلام نیز شخصیت امام رضا علیه السلام را می‌شود با ایشان مقایسه کرد؛ گو اینکه شباهت‌های میان این دو شخصیت، فراوان و تأمل‌پذیرند. در واقع، دفتری بزرگ میان ابراهیم بین‌النهرین و شرق و جنوب مدیترانه و شمال آفریقا تا علی‌بن‌موسای مدینه و مرو در شمال شرق ایران بزرگ گسترده است.

درباره نیمه اول امامت اهل بیت علیهم السلام و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله، سخنانی از عهد صغر در خطابه‌ها و کتاب‌ها به سماع و نظر می‌آمد و پایه‌هایی از اطلاعات را گاهی در حد اطلاعات عمومی تشکیل می‌داد؛ به تدریج این پرسش به ذهن نگارنده آمد که نیمه دوم امامت ائمه علیهم السلام، به خصوص از امام رضا علیه السلام به بعد، به چه صورتی بوده و رسالت امامت چگونه ادا شده است؟ می‌دانیم که این پرسش هنوز نیز پرسشی عمده و اساسی است. کم نیستند شیعیان حتی نخبه و تحصیل کرده‌ای که اطلاعات آن‌ها از نیمه اول امامت، یعنی شش امام نخست شیعیان، محدود به شنیده‌های خطابه‌ها و منابع اربابانه است. بن‌مایه این اطلاعات و معلومات در بسیاری اوقات، جنبه‌هایی حماسی و احساسی هستند.

برای ما که تا حد زیادی چنین بود؛ بقیه را غی‌دانم. این تصور پیدا و پنهان وجود داشت که گویی نیمه دوم امامت، نیمه‌ای تقریباً کم‌اثر در تاریخ امامت و اسلام است؛ نیمه‌ای که چه‌بسا بود و نبود بخش عمده‌ای از آن، تأثیری در تاریخ اسلام و بالاتر از آن، تاریخ فکر و فرهنگ بشری ندارد. روشن است که این تصور نادرست که مولود ضعف عمیق ما در شناسایی ائمه با نگرش‌ها و نگارش‌های نوین است، غی‌تواند در برابر پرسش‌های اندیشه آگاه و مسئول یک انسل مسلمان دوام بیاورد. جدا از این، همان‌گونه که در نیمه اول سلسله امامت، «امام سوم» برای ما نقطه عطف و مقطعی شاخص در میدان حماسه و شهامت و شهادت شمرده می‌شود که بر مقطع پس از خود نیز تأثیری بسیار آشکار دارد، در نیمه دوم نیز زندگی «امام هشتم» نظرها را به خود معطوف می‌دارد و حتی اندیشه‌های دور از دانش و تحلیل تاریخ امامت را به سوی خود می‌خواند و هر چه اندیشه یک انسان پرسشگر به این مقطع نزدیک‌تر می‌شود، حقایق و دقایق افزون را کشف می‌کند. این کتاب، مروری است بر برخی از سطور این دفتر بزرگ با نگاهی گذرا به دغدغه‌های مورد اشاره در بالا.

با وجود همه شباهت‌ها و جدا از همه آن‌ها، میان سرگذشت این دو شخصیت تاریخ عقیده و اندیشه، تفاوت‌هایی نیز هست که باید آن‌ها را مد نظر قرار داد. این تفاوت‌ها که نه اصلی بلکه عارضی‌اند، اغلب زائیده قصورها و تقصیرهای ما هستند.

حضرت ابراهیم علیه السلام را در همه جای جهان می‌شناسند، اما در سطح جهان کسانی که امام رضا علیه السلام را می‌شناسند، به نسبت، اندک‌اند؛ آن هم این امام که امام حوزه اندیشه و تمدن است. شمار کسانی که شخصیت‌هایی همچون حضرت رضا علیه السلام برایشان بالقوه محترم است، در دنیا فراوان است، اما اینان شناختی از کسی مانند امام رضا علیه السلام ندارند. در عالم اسلامی نیز صدها میلیون مسلمان اهل تسنن،

در سراسر جهان و به خصوص در سرزمین‌های وسیع عربی و آفریقایی، شوق وافر نسبت به اهل بیت رسالت (علیهم‌السلام) داشته و دارند. حلقه‌های ذکر پر جمعیت و گسترده‌ای در بسیاری از مناطق شمال و غرب آفریقا برپا می‌شود که در آن‌ها تسبیح ذات خداوندی گفته و نسبت به اهل بیت نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اظهار مودت و احترام می‌شود. در اکثر قریب به اتفاق این حلقه‌ها به این نکته اذعان و اعتراف می‌شود که نیل به رضای خداوندی جز از راه مودت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کسب نمی‌شود و مودت پیامبر از مودت ذی‌القرای او جدایی ندارد و دین را باید از نبی و آل او گرفت، اما نکته‌ای در این بین است، آن هم اینکه بیشتر کسانی که به حلقه‌های ذکرشان اشاره شد، امام‌رضا (علیه‌السلام) را نمی‌شناسند و از مکانت علمی و معنوی او اطلاعی ندارند. این در حالی است که امام‌رضا (علیه‌السلام)، امام رحمت و رأفت خوانده شده و امامی است که تا عصر خود بیشترین مجال سیر جغرافیایی را در میان ائمه (علیهم‌السلام) یافته و مجال معرفی او به دیگران بسیار بوده است. اهم موضوعاتی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند و مجال بسط سخن همچنان در آن‌ها وجود دارد، عبارت‌اند از:

- شرایط تاریخی و جغرافیایی بعثت حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) که پس از واقعه توفان نوح در منطقه‌ای است که گاهواره تمدن‌های بشری شمرده می‌شود؛ سخن درباره بابل و اهمیت آن در تاریخ دین و فرهنگ بشری؛ سخن درباره شکل‌گیری اولین طغیان بزرگ سیاسی در تاریخ ادیان و مواجهه و محاجه حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) با طاغوت زمان خویش.

- سیره ابراهیم (علیه‌السلام) در سیر بین‌المللی میان اور، بابل، شام، مصر و حجاز؛ سخن درباره مأموریت مهم او در انتقال مرکزیت دینی از بابل باب‌الله آباد تا سرزمین خشک و سوزان حجاز که ام‌القری و حرم امن الهی و خانه خاص خداوند بود و نیز نقش ابراهیم در توسعه آیین عبادی - سیاسی حج و دیگر مناسک مهم دینی و بشری.

- سخن از ایران و سابقه کهن آن در یکتاخواهی و یگانه‌گرایی و نیز مدیریت سیاسی در تمدن بشری؛ ایران میان دوره تمدن شاهنشاهی و تمدن اسلامی؛ ایران و بازار اندیشه‌ها و نحله‌ها، اعم از اندیشه‌ها و نحله‌هایی که این سرزمین در تاریخ کهن خود داشت، اندیشه‌هایی که آن‌ها را با سرزمین‌های دیگر مانند هند و چین و مصر و یونان مبادله کرد و نیز اندیشه‌هایی که دستگاه خلافت، نفع و شاید حیات خود را در ترویج آن‌ها می‌یافت. از بابل تا توس راه زیادی طی شده است و هنوز نیز قافله دین و فکر و فرهنگ ما شیر بزرگی برای پیمایش در اقتضای همان مسیر سترگ دارد.

این نکته نیز گفتنی است که دو کلمه «پیشوا» و «ملل» در این کتاب، ناظر به موضوع «امامت» ابراهیم (علیه‌السلام) و «ملت» و آیین حنیف اوست؛ این هر دو مفهوم که حضرت ابراهیم بنیاد نهاد، پس از او در سیره پیامبر اکرم و حضرت رضا که موضوع این کتاب است، تجلی کامل یافت.^۱

۱. مفهوم قرآنی «ملت» در قرون بعد، توسعه یافت و ناظر بر قومیت‌ها و معادل واژه Nation شد.

این نکته ناگفته نماند که از میان پیامبرانی که سیر و هجرت جغرافیایی داشته‌اند، حضرت موسی (علیه السلام) نیز شایان ذکر است، اما سیره و تفاوت‌های آشکاری با سیره حضرت ابراهیم (علیه السلام) دارد که توجه به آن‌ها لازم است: حضرت ابراهیم (علیه السلام) دارای فضل تقدم بر حضرت موسی (علیه السلام) و سیر او بسیار گسترده‌تر است. همین تقدم زمانی و البته عواملی دیگر، او را در رتبه «پدر» می‌نشانند؛ پدر جسمی و معنوی میلیون‌ها انسان که چنین مزیقی برای حضرت موسی (علیه السلام) محقق نمی‌شود.

حضرت موسی (علیه السلام) بیش از آنکه پیامبری فرهنگی و تمدنی باشد، پیامبری «سیاسی و اجتماعی» است. او به سوی طاغوتی بزرگ مبعوث شد تا آن را از ستم به بندگان «مستضعف» باز دارد و به «تزکیه» دعوت کند و اگر هم نپذیرفت، دست «شعب مستضعف» را بگیرد و آنان را به «ارض موعود» ببرد. موسی (علیه السلام) در حضرت روی ارض موعود، جان به جان آفرین تسلیم می‌کند و اندکی قبل از آن نیز شکایت به خداوند می‌برد که من اختیار جز خودم و برادرم را ندارم؛ تو حاکم میان ما و قوم فاسق باش: قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافَرِّقْ بَيْنَنَا وَقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (مائده، ۲۵).

شرایطی که مجال تفصیل آن‌ها در اینجا نیست، در نهایت، شریعت موسی (علیه السلام) را شریعتی محدود و آیینی قومی می‌سازد نه دعوت و آیینی جهانی و هیچ‌گاه آیین «یهود»، آیین سماحت، آیین برهان و اندیشه و آیین حنیف نمی‌شود. البته یهود در این بین، کار را به جایی نیز می‌رسانند که خداوند بگوید: ابراهیم، یهودی و نصرانی نبود، بلکه حنیف و مسلم بود (آل عمران، ۶۷). در این باره در متن کتاب سخن گفته شده است. در کتاب حاضر از آیات و روایاتی بهره گرفته شده است. ترجمه‌های برخی از آیات که ذکر آن‌ها ضروری به نظر می‌رسید، با نگاهی به ترجمه‌هایی است که در اصل، منتخب یا برگرفته از تفاسیرند (ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه حکیم جامع میرزاهمدی الهی قمی‌های و ترجمه استاد مکارم شیرازی).

ذکر این نکته نیز لازم است که برخی ریشه‌یابی‌های وارکال، برگرفته از منابعی متعدّدند که ذکر منابع به صورت تفصیلی موجب تراکم نوشتار می‌شد، از این رو در موارد مزبور به ذکر نام مؤلف و شماره صفحه کتاب اکتفا شده و تفصیل مشخصات منابع به فهرست منابع در پایان کتاب موکول شده است. کار نگارش این کتاب در شرایط دشوار به انجام رسید و برای انجام آن دست عجز و نیاز به دامن کرامات رضوی ساییدم. ویرایش کتاب نیز در شب شهادت امام جواد (علیه السلام) به پایان آمد.

اساتید ارجمند همچون جناب استاد دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، دکتر ابراهیم اصلانی و برخی از دوستان عزیز همچون آقای سامان سودمند مقدم به نگارنده یاری رساندند. خدایشان از عنایات و کرامات امام رافت و رحمت، حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بیش از پیش بهره‌مند کناد. همسر نگارنده خانم مرثگان مصطفی‌پور نیز با صبر جمیل خویش نگارنده را در این کار، مددی ارجمند رساند. این کتاب به او تقدیم می‌شود.

ابوالفضل خوش‌منش

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

۲۹ مهر ۱۳۹۱